

تفسیر

«سوره مبارکه حمد»

(۳)

الحمد لله رب العالمین

دستایش خدارا که پروردگار جهانیان است (از منتخب التفسیر).
 غرض نگارنده از نوشتن این مقالات آن نیست که تفسیر تام و تمامی از قرآن
 کریم و کتاب مجید الهی بنده یسم ؛ زیرا این موضوع نیاز به کتابی جداگانه دارد
 و مناسب خوانندگان منشورات ماهیانه و مجلات نمی باشد ، بلکه مقصود این است
 که بخواست خداوند کریم ، بنکات جالبی در خور لیاقت و استعداد نویسنده و
 خواننده اشار ای نموده باشم ، امید است بدین وسیله عده ای از نفوس مستعد به
 بعضی از حقائق قرآنی آشنا شوند ، و ریزه کاریهای این کتاب مجید را که معجزه ای
 است باهر ، بچشم خود مشاهده نمایند . و اینکه باذن خدای تعالی بچند نکته جالب و
 بعضی از رموز الهی در این جمله شریفه اشار می شود :

۱ - جمله الحمد لله دلالت دارد که ستایش مختص بذات باری تعالی است
 و آن موجودی که شایسته ستایش و سپاس می باشد منحصر بذات واجب الوجود است ،
 و این جمله از سه راه ممکن است حصر را بفهماند :

(الف) الف و لام الحمد ظاهر در جنس است که مفادش این است که : ماهیت
 و حقیقت حمد مختص بذات باری تعالی میباشد .

(ب) تقدیم کلمه حمد بر کلمه الله مشعر بحصر است .

(ج) لام در **الله** ظاهر در اختصاص است .

۴ - بنا بر آنچه گذشت معنی آیه شریفه چنین است که: حقیقت و جنس حمد و ستایش اختصاص بذات واجب الوجود دارد . و این مفهوم ، شامل میشود جمیع محامدی را که از انبیاء و اولیاء و مؤمنین و سایر مخلوقات صادر گردیده و میگردد و بعلاوه دلالت دارد بر اینکه اصلاً حقیقت ستایش اگر چه هیچ وجود خارجی نیز پیدا نکند منحصر آ شایسته ذات باری تعالی می باشد . و باصطلاح فلاسفه اختصاص حمد بذات واجب الوجود ، از لوازم ماهیت و حقیقت حمد است نه از لوازم وجود خارجی و مصداق تکوینی آن یعنی جنس حمد چه از لسان کسی صادر بشود یا نشود شایسته ذات خداوند متعال است .

۳ - حصر حمد بذات باری تعالی (که به دو جمله مثبت و منفی تحلیل میشود: یکی اینکه خداوند شایسته جنس حمد است ، و دیگر آنکه موجود دیگر شایستگی ندارد) دلالت دارد بر اینکه آنچه جمال و نیکوئی در عالم وجود تحقق پیدا کرده و میکند ، همه از جانب خداوند متعال است و نیکو کاری غیر از وجود حق تعالی وجود ندارد چنانچه در آیه شریفه دیگر میفرماید : **ما اصابك من حسنة فمن الله** (۱) و نیز در آیه دیگری میفرماید : **وما بكم من نعمة فمن الله** (۲) و در این جهت فرقی نیست در اینکه احسانی که میرسد بوسیله يك موجود بی اراده باشد مثل ابر که باران می بارد یا بوسیله يك موجود با اراده باشد مانند انسان ، زیرا انسانی هم که عمل نیک انجام میدهد تمام شرائین و ایاف وجودش از طرف خداوند آفریده شده است ، و در حین انجام عمل نیز بقیومیت او موجود است باذن و اراده او ادراک و اراده میکند و فرمان بدست و پا و جوارح خود میدهد تا در نتیجه ، عمل خیری انجام میشود و رمز اینکه این عمل را ، اختیاری مینامیم این است که صاحبش می تواند این مقدمات و جریانات الهی را سد نماید و نمیکند .

مثلاً درختی که در جنگل میروید و بارور میشود و بهره میدهد بخواست خداوند متعال است و اگر موجودی می تواند آن درخت را از جا بکند .

(۱) سوره نساء آیه ۷۹

(۲) سوره نحل آیه ۵۳

ومع الوصف نمیکند این درخت و باروری آن مستند به اونعی باشد ، بنا بر این اگر انسان هم باختیار و اراده خود احسانی میکند این خودیکی از لشکریان حق متعال است و با آن درخت خود رو که حیوانات و انسان از آن بهره مند می شوند چندان فرقی ندارد .

۴ - چون مفاد کلمه حمد در عربی مراد است با ستایش بر جمیل و احسان اختیاری ، بنظر میرسد که این جمله شریفه دلالت دارد بر اینکه خداوند متعال مختار است و آنچه از آن منبع فیض صادر می شود بقیه و غلبه و الزام نیست بلکه بواسطه اراده ازلیه او است که معلول حکمت و مصلحت است ، ولی اگر فرموده بود: **مدح** مختص خداوند متعال است دلالت بر این فائده نمی کرد .

۵ - بنظر میرسد که جمله مبارکه **والحمد لله** دلالت دارد بر اینکه تمام آنچه در عالم هستی تحقق دارد از نیکویی و جمال ، خواه نعمت باشد مانند هوا و آب و میوه جات و ارزاق و غیره ، یا موجود جمیلی باشد ولی برای موجودات زنده بظواهر اثری نداشته باشد مانند ستاره زهره فرضاً ، همه مستند بایجاد و تدبیر حق متعال و رب العالمین است ولی اگر بجای کلمه حمد لفظ شکر بود منحصر آ اختصاص بنعمت داشت و سایر نیکوئیهها را شامل نمیشد .

۶ - اعتقاد باینکه تمام محامد شایسته مقام او است ، مستلزم اعتقاد باین است که جمیع نیکوئیهها و محاسن عالم وجود از طرف ذات مقدس آفریدگار است و این کاملاً مطابق با برهان است زیرا جمیع موجودات حدوثاً و بقاؤاً ممکن میباشند و ممکنات در هر آن لحظه در وجود و آثار وجود محتاج بمعنایت واجب الوجود می باشند چنانچه موجودات ذهنی و تدبیرات مغزی بشری نیاز بمعنایت نفس دارند و مادامیکه نفس بآنان توجه دارد بزبور وجود آراسته می باشند و بمحض اینکه سلب عنایت و توجه گردد معدوم میشوند ، بهمین نحو جمیع ممکنات بمعنایت قیوم مطلق و آفریدگار جهان احتیاج دارند چه در وجود و چه در افعال و تدبیرات و چه در ارادات و تحولات و آنچه از نیکی و خوبی بدست آنان جاری میگردد همه در سایه عنایت دائمی و احاطه قیومی خداوندی است .

۷ - اعتقاد باینکه منحصر آ خداوند متعال شایسته سپاس و ستایش است چون مستلزم اعتقاد باین است که تمام محاسن و نیکوئیههای جهان هستی از طرف

اواست، از نظر تأثیر در اخلاق انسانی بسیار مؤثر است زیرا انسان را از خاکدان مادیت به عالم بالا و ملکوت اعلی میبرد، پرده ها و دیوارهای ضخیم دنیا را پاره و خراب میکند و نظر انسان مسلمان را از موجودات ظلیه ممکنه، بسایه افکن و مسیب حقیقی متوجه میکند، دیگر نه برای کسی کرنش و تعظیم میکند جز باذن خدا، و نه از مردم و سبب های دیگر توقع و چشم داشت دارد، بلکه همه را لشکریان و جنود حق میداند و اگر متوسل بوسائل عادی میشود از بابت دست درازی بسفره خداوند متعال است، و اگر از سببی مأیوس می شود از سبب الاسباب مأیوس نخواهد شد و همین است حقیقت نفس مطمئنه که خوشنودان حق است و مورد رضایت او میباشد. خیلی مناسب مقام است قطعه ذیل که یکی از اهل عصر سروده است:

ذات احد را سپاس و حمد بیاید	حمد و ستایش برای غیر نشاید
هر چه رسد ز او بود ز نعمت و احسان	لشکر حقند جمله ظاهر و پنهان
سیر فلک یا ستارگان فروزان	خیل ملک یا که انبیاء و امامان
وحی نبی یا صفا و کشف ولایت	درک ملک یا جنود عقل و درایت
عقل بشر یا که حس و جنبش حیوان	جان نباتی و یا جمادی بی جان
دست قدر یا عصای حضرت موسی	جنگ قضا یا که پنجه ید بیضا
نظم اتم یا که نظم عالم کلی	آنچه شود کسب و آنچه هست جبلی
آنچه پیرهان فلسفی است مبرهن	یا بتلسکوب مغربی شده روشن
و آنچه بشاید و یا بفکر نشاید	و آنچه بخاطر نیامده است و نیاید
و آنچه بدرک فرشته نیز ننگجد	بلکه ترازوی عقل نیز نسجد
و آنچه نبی هم بلوح غیب نخواند	یعنی جز ذت کردگار نداند
جمله ز آثار جلوه های الهی است	جلوه حق دائم است و نامتناهیست

باقی رموز این آیه شریفه و مطالب دیگر در شماره بعد انشاء الله تعالی.